

Analysis of the Relationship between Early Employment and Human Development Index in Iranian Provinces

Hamid Shayan ^{*1}, Zeinab Erfani ², Hamdallah Sojasi Qeidari ³

1- Professor, Department of Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

(*Corresponding Author Email: shayan34@yahoo.com)

2- PhD Candidate, Department of Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

(zeinaberfani94@gmail.com)

3- Associate Professor, Department of Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

(ssojasi@yahoo.com)

Abstract

Early employment has detrimental effects on the body of the society at a time when the body and minds of children and adolescents are growing and they all have to go to school while depending on its severity, it is a clear sign of poverty and misery in developing countries. As this problem is of high importance, the purpose of the present study is to analyze the spatial differences of this unpleasant phenomenon on a provincial scale and to explain its relationship with the level of human development and its three indicators including gross national income per capita, means of years of schooling for education, and life expectancy for health. The research method is descriptive-comparative with a relational approach. Some indicators of the study have been analyzed according to the census data of 2016. The rate of early employment in relation to the employment of the age groups of 10-14 and 15-19 years is compared with their total population, the literacy index obtained by the United Nation Formula is a combination of the rate of total literacy and adult literacy. Analyzing the indices used in this research by SPSS software shows that there is a significant inverse relationship of 0.05 between the early employment and two indicators including gross national income per capita and literacy but the mentioned relationship is confirmed by the life expectancy indicator for health at the level of 0.0[^]. It may be claimed that in the regions with a lower rate of literacy, the rate of gross national income per capita is reduced and the early employment phenomenon has a higher prevalence. Therefore, in order to minimize the rate of the undesirable phenomenon of early employment, it is necessary to pay more attention to the rate of literacy and gross national income per capita especially in eastern and northwestern regions of our country. The geographical shapes in ARC GIS mapping software have presented the spatial gap between two critical zones of the eastern and northwestern areas compared with other regions of the country.

Keywords: Early Employment, Human Development, Life Expectancy, GDP, Literacy, Iran.

Shayan, H., erfani, Z., sojasi qeidari, H. (2021). Analysis of the Relationship between Early Employment and Human Development Index in Iranian Provinces. *Spatial Planning*, 11(4), 103-120. doi: 10.22108/sppl.2021.129003.1590

This is an open access article Under the by-nc-nd/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/SPPL.2021.129003.1590>



[20.1001.1.22287485.1400.11.4.6.5](https://doi.org/10.22108/SPPL.2021.129003.1590)

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی فضایی (مقاله پژوهشی)
سال یازدهم، شماره چهارم، (پیاپی ۴۳)، زمستان ۱۴۰۰
تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱
ص: ۱۲۰-۱۰۳

تحلیل رابطه اشتغال زودرس با سطح توسعه انسانی در استان‌های ایران

حمید شایان^{۱*}، زینب عرفانی^۲، حمداالله سجاسی قیداری^۳

۱- استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(* نویسنده مسئول: shayan34@yahoo.com)

۲- دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(zeinaberfani94@gmail.com)

۳- دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(ssojasi@yahoo.com)

چکیده

اشتغال زودرس، هنگامی که جسم و روان کودکان و نوجوانان در حال رشد است و باید همه آنها تحصیل کنند و آموزش ببینند، آثار زیان‌باری را به جامعه تحمیل می‌کند؛ ضمن اینکه بسته به شدت آن نشانه بارز میزان فقر و فلاکت به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. با توجه به اهمیت موضوع، تحلیل تفاوت‌های فضایی این پدیده ناخوشایند در مقیاس استانی و تبیین رابطه آن با سطح توسعه انسانی و شاخص‌های سه‌گانه آن یعنی سرانه تولید ناخالص داخلی، سواد و امید به زندگی، هدف این پژوهش است. روش پژوهش حاضر، توصیفی تحلیلی و مقایسه‌ای رابطه‌ای است. بعضی از شاخص‌های پژوهش براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ محاسبه شده‌اند. شاخص میزان زوداشتغالی، نسبت اشتغال در سنین ۱۰-۱۴ سال و ۱۵-۱۹ سال به کل جمعیت آنها و شاخص توسعه انسانی براساس فرمول سازمان ملل متحد، ترکیبی از سواد، تولید ناخالص داخلی و امید به زندگی است. تحلیل شاخص‌های پژوهش در نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد بین میزان اشتغال زودرس با دو شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی و سواد در سطح معناداری ۰/۰۵، رابطه معکوسی وجود دارد، ولی رابطه مزبور با شاخص امید به زندگی در سطح ۰/۰۸ تأیید شده است. می‌توان ادعا کرد در مناطقی که سطح سواد پایین‌تر است، سطح تولید ناخالص هم پایین‌تر است و زوداشتغالی رواج بیشتری دارد؛ بنابراین برای کمینه‌سازی پدیده نامطلوب زوداشتغالی، لازم است به سطح باسواد و سرانه تولید داخلی به‌ویژه در مناطق شرقی و شمال غربی کشور توجه بیشتری شود. شکل‌های جغرافیایی در محیط نرم‌افزار ARC GIS، شکاف فضایی بین دو پهنه بحرانی مناطق شرقی-شمال غربی با سایر مناطق کشور را ارائه داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اشتغال زودرس، توسعه انسانی، امید به زندگی، تولید ناخالص داخلی، سواد.



مقدمه

اشتغال به کار در سنین کم آسیب‌های زیادی به جسم و روان انسان وارد می‌کند. در جریان انقلاب صنعتی استفاده غیرانسانی و مادی‌گرایانه از کودکان، اوضاع رقت‌باری را در جوامع صنعتی پدید آورد. همین امر باعث شد نخستین خواسته‌ها برای بهبود وضع کارگران به‌ویژه تجدیدنظر در شرایط کار کودکان و زنان کارگر شکل گیرد و نخستین مقررات حمایتی درباره این دسته در سطح بین‌المللی و داخلی کشورها از جمله ایران تصویب شود (مهدوی مزینانی و مزینانی، ۱۳۹۰: ۲۷). آثار زیان‌بار این آسیب‌ها فقط به دوران کودکی منحصر نمی‌شود، بلکه تا بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد و جامعه را از وجود انسان‌های کارآمد و شایسته محروم می‌کند (سلیمانی و حاجیان، ۱۳۹۲: ۵۴)؛ بنابراین اشتغال نوجوانان و مشکلات ناشی از آن از مباحث مهم در حقوق کار است.

از جمله علل مهم اشتغال نوجوانان به‌ویژه در کارهای نامناسب با شرایط روحی و جسمی آنها، وجود فقر و مشکلات اقتصادی خانواده است. در بسیاری مواقع به‌ویژه در کشورهای ضعیف و توسعه نیافته کار نوجوانان نقشی اساسی در تأمین نیازهای اقتصادی خانوار دارد. در این زمینه مقاله‌نامه‌های متعددی به تصویب رسیده که بیشتر کمترین سن کار و شرایط کار نوجوانان را تعیین کرده‌اند (رفیعی، ۱۳۹۲: ۲۵۲). در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت و شرایط برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌بارند، کمترین سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰). از جمله دلایلی که کودکان را به سمت کار سوق می‌دهد، ناکامی در آموزش و پرورش، کمبود فرصت برای جوانان در روستاها، فشار همسالان یا خانواده و کمبود درآمد و سرمایه است (Daly et al., 2020: 5). کار کودکان به دلایل زیادی از نظر اقتصادی و اجتماعی نامطلوب است؛ در این میان دو علت اساسی وجود دارد؛ اول اینکه کار در سنین کم نقض حقوق اساسی انسان است. دوم اینکه اشتغال در سنین کم مانع دریافت آموزش آنها و موجب سرمایه‌گذاری ناقص در شکل‌گیری سرمایه انسانی است (Lod et al., 2014: 48). در جوامع جنوبی و در حال توسعه تعداد کودکان مشغول به کار بیشتر و محسوس‌تر است، مشارکت آنها در کار تولیدی رایج‌تر است و اهمیت آن نیز تا حدی با اهمیت این مشارکت در کشورهای صنعتی تفاوت دارد (اسدپور و اعظم‌آزاده، ۱۳۹۹: ۱۸۹).

در فرایند ریشه‌کشی کار کودکان، چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه یافته، پیشرفت چشمگیری حاصل شده است؛ به همین ترتیب حجم زیادی از پژوهش‌های تجربی در زمینه بررسی عوامل تعیین‌کننده کار کودکان پدید آمده است (Susanli et al., 2016: 967). توسعه جوامع به توسعه منابع انسانی گره می‌خورد و امروزه سرمایه انسانی محور هرگونه توسعه قلمداد می‌شود. در سال‌های اخیر، نقش بالقوه توسعه سرمایه انسانی در رشد و توسعه اقتصادی و ارتقای سطح اجتماعی جوامع در سطح ملی، توجه بسیاری از صاحب‌نظران را در بخش توسعه منابع انسانی جلب کرده است (مؤذن علوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۶). توسعه انسانی یک روند افزایشی اهمیت به ارزش‌های انسانی است. به‌طور طبیعی پدیده‌ای پیچیده است که جنبه‌های جمعیتی، فرهنگی، سیاسی حقوقی و اقتصادی اجتماعی دارد. بر مبنای این پدیده، برآوردی از تأثیر آن بر توسعه اقتصادی و ملی کشور انجام‌پذیر است؛ بنابراین این رویداد ملی با توانایی‌های انسانی در ارتباط است (Dasic et al., 2020: 2). در رویکرد

توسعه انسانی فقط مصرف کالاها و خدمات زمینه‌های رفاه را فراهم نمی‌کند، بلکه گسترش امکانات لازم از قبیل آموزش و بهداشت برای استفاده از قابلیت‌ها و استعدادها نیز، اجزای اصلی توسعه در نظر گرفته می‌شود (شمخالی، ۱۳۹۹: ۹۴)؛ از این رو تعیین سطح توسعه انسانی به شناسایی شکاف ناحیه‌ای و در نتیجه کاهش چالش‌ها در فرایند توسعه منجر می‌شود (بدخشان و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰). به نظر می‌رسد ارتقای سطح توسعه انسانی به معنای واقعی و گسترده مانع گسترش پدیده زوداشتغالی خواهد بود. با وجود گزارش‌های مبنی بر افزایش سطح توسعه انسانی ایران، پرسش قابل طرح این است که چرا پدیده زوداشتغالی در بعضی استان‌ها رو به افزایش است.

پاسخ اولیه این است که سطح توسعه انسانی در مقیاس ملی ارائه می‌شود و بنابراین تفاوت‌های آن در مقیاس خرد، استان، شهرستان، بخش و دهستان، هویدا نیست؛ به همین دلیل شدت زوداشتغالی در بین قشرهای فقیر جامعه روستایی و حاشیه‌نشین شهری در استان‌های خاصی رایج‌تر است. در جوامعی که توسعه انسانی کم است، فقر اقتصادی فرهنگی باعث اشتغال زودرس می‌شود؛ به بیانی به دلیل درآمد ناکافی، دسترسی نداشتن به امکانات، محرومیت اجتماعی، کمبود نیروی ماهر انسانی و سواد کمتر، اشتغال زودرس پدیدار می‌شود؛ بنابراین سطح درآمد و تحصیلات از علل و عوامل اشتغال زودرس و نیز تعیین‌کننده سطح توسعه انسانی به شمار می‌آید. امید به زندگی به‌مثابه یکی از سه شاخص تعیین‌کننده سطح توسعه انسانی متأثر از عوامل متنوعی است. در نواحی‌ای که فقر و اشتغال زودرس رایج‌تر است، امید به زندگی پایین‌تری همراه با اشتغال زودرس بیشتری رنج می‌برند، می‌تواند تلنگری جدی به متولیان نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور وارد کند.

پژوهش حاضر در پی نشان دادن این همخوانی در متن فضایی سرزمین ایران است. آگاهی از سطح اشتغال زودرس براساس داده‌های رسمی مرکز آمار ایران می‌تواند یکی از معیارهایی باشد که نواحی عقب‌مانده‌تر را بهتر آشکار می‌کند؛ به‌ویژه به این دلیل که شاخص‌های مبین سطح توسعه انسانی مانند درآمد سرانه و امید به زندگی با توجه به احتمال خطای محاسباتی ناشی از ثبت غیردقیق اطلاعات، ممکن است کمی با واقعیت فاصله داشته باشند؛ به هر حال فرض نویسندگان بر این است که تا حد پذیرفته‌ای می‌توان از آنها بهره گرفت. در این مطالعه برای شناسایی عوامل مهم احتمالی مؤثر بر پدیده زوداشتغالی در مقیاس استانی، با تکیه بر داده‌های اسنادی ثانویه معتبر فرض بر این است که در نواحی‌ای که سطح توسعه انسانی ارتقای بیشتری یافته، شدت اشتغال زودرس کمتر است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، روشن‌سازی اوج تفاوت‌های فضایی پدیده زوداشتغالی و رابطه آن با سطح توسعه انسانی در استان‌های ایران برپایه پاسخ به دو پرسش زیر است:

۱. میزان تفاوت‌های فضایی پدیده زوداشتغالی در گروه‌های سنی ۱۰-۱۹ سال در سطح استان‌های ایران چقدر است؟

۲. چه رابطه‌ای بین اشتغال زودرس با سطح توسعه انسانی و شاخص‌های آن وجود دارد؟

از جمله مطالعات داخلی و خارجی درباره اشتغال زودرس و توسعه انسانی به مطالعات زیر اشاره می‌شود که با اهدافی مجزا از هم موضوع را بررسی کرده‌اند و در مجموع نشان نمی‌دهند که در مقیاس ناحیه‌ای چگونه می‌توان از شدت زوداشتغالی کاست.

رئیس دانا (۱۳۸۲) در پژوهشی در مقیاس کلان با توجه به چهارچوب‌های آماری موجود و با نگاه به بررسی‌های پیشین، کار افراد در سن ۱۴ سال تمام و کمتر را کار کودکان در نظر گرفته است. وی در بررسی علت پدیده کار کودکان فقر، بی‌عدالتی و نبود نظارت‌های دولتی در دفاع از حقوق کودکان را بیان می‌کند که عوامل وابسته و پیوسته به یکدیگرند.

جعفری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش کودکان کار»، متغیرهای فقر و اقتصاد، تحصیلات والدین، حاشیه‌نشینی، ضعف برنامه‌های حمایتی، ناآگاهی از حقوق و اجبار خانواده‌ها را در ایجاد و گسترش پدیده کار کودکان تأثیرگذار دانسته‌اند.

مرادی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی سلامت اجتماعی کودکان کار مراجعه‌کننده به مراکز مردم‌نهاد حمایت از حقوق کودکان تهران»، دریافتند سلامت اجتماعی کودکان کار وضعیت مطلوبی ندارد؛ بنابراین ارتقای سلامت اجتماعی و شناسایی و حذف عوامل مؤثر بر پدیده کار کودکان، تلاش مشترک همه سطوح جامعه را می‌طلبد.

صالحی (۱۳۹۷) در «رتبه‌بندی استان‌های کشور براساس شاخص‌های توسعه انسانی و سرمایه انسانی» نشان داده است استان‌های کشور در تک‌تک شاخص‌های سازنده توسعه انسانی با هم متفاوت هستند و در مقام مقایسه با شاخص سرمایه انسانی نیز، همگرایی معناداری بین این دو شاخص مشاهده نشد؛ اگرچه در نزدیک به نیمی از استان‌ها رتبه شاخص توسعه انسانی و سرمایه انسانی به هم نزدیک است و در بسیاری از آنها نیز تفاوت چشمگیری دیده می‌شود.

بدخشان و همکاران (۱۳۹۷) در «گروه‌بندی روستاهای استان‌های کشور براساس شاخص‌های زیرساخت اقتصادی و توسعه انسانی» نشان داده‌اند روستاهای کشور از لحاظ شاخص زیرساخت اقتصادی به سه گروه و از لحاظ شاخص توسعه انسانی به دو گروه تقسیم می‌شوند و در این میان، سیستان و بلوچستان نسبت به سایر استان‌ها شرایط متفاوتی دارد؛ بنابراین براساس مطالعات متعدد، تفاوت‌های فضایی استان‌های ایران از نظر سطح توسعه انسانی مبرهن است.

لویسون و مو^۱ (۱۹۹۸) عوامل تعیین‌کننده کار و تحصیلات دختران مجرد بین سنین ۱۰-۱۹ سال را برای کشور پرو تخمین زده و به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت بهتر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی باعث می‌شود دختران وقت بیشتری را برای تحصیلات خود صرف کنند.

کوک و همکاران^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «رفاه بومیان در چهار کشور: کاربرد شاخص توسعه انسانی عضو UNDP برای مردم بومی در استرالیا، کانادا، نیوزیلند و ایالات متحده» نشان دادند بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰،

^۱. Levison and Moe

^۲. Cooke et al.

شاخص HDI مردم بومی در آمریکای شمالی و نیوزیلند با سرعت بیشتری نسبت به عموم جمعیت بهبود یافته است؛ به طوری که شکاف در توسعه انسانی کاهش یافته است. در استرالیا، در حالی که عموم جمعیت بهبود می‌یابد، شاخص HDI در افراد بومی کاهش و شکاف توسعه انسانی گسترش می‌یابد. این کشورها توسعه انسانی چشمگیری دارند، ولی جمعیت بومی آنها در توسعه انسانی سطح متوسطی دارند. پیشرفت ناهماهنگ در سلامت و رفاه جمعیت بومی و وابسته به جمعیت غیربومی، نیاز برای تلاش بیشتر برای بهبود سلامت فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی مردم بومی را نشان می‌دهد.

اولایمی^۱ (۲۰۱۲) رابطه میان سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و بهره‌وری کل را در نیجریه در بازه زمانی ۱۹۷۸-۲۰۰۸ با استفاده از روش گرنجر^۲ بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد مخارج دولت در آموزش اثر مثبت و معناداری بر بهره‌وری داشته است، ولی رشد سرمایه فیزیکی اثر منفی بر بهره‌وری داشته است.

مطالعات کاستر و ادکویا^۳ (۲۰۱۴) نشان داده‌اند بین سن کودک و میزان کار رابطه‌ای مثبت وجود دارد؛ به این معنی که با افزایش سن کودک، میزان مشارکت او در فعالیت‌های کشاورزی نیز افزایش می‌یابد؛ همچنین بین سن سرپرست خانوار و میزان کار کودکان رابطه‌ای مثبت وجود دارد. هرچه سرپرست خانواده مسن‌تر باشد، احتمال مشارکت کاری کودک در نقش نیروی مکمل برای کسب درآمد بیشتر می‌شود.

باومونت و همکاران^۴ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «درک مشکلات دوران کودکی در غرب سولوسی، اندونزی» نشان داده‌اند عواملی در سطح جامعه و خانواده‌ها، مانند فقر گسترده و سطح پایین تحصیلات والدین، به سرعت به دوره بزرگسالی از طریق ازدواج دیررس و اشتغال کودک منتقل می‌شود.

داسیچ و همکاران^۵ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «شاخص توسعه انسانی: مروری بر کشورهای بالکان غربی» نشان دادند توسعه انسانی در این نواحی با مجموعه‌ای از پیامدهای اقتصادی اجتماعی در سیاست‌های توسعه کشورهای مزبور سروکار دارد.

این مطالعات بیشتر بر تأثیرات مخرب و خطرناک پدیده زوداشتغالی بر رشد و پیشرفت کودکان و نوجوانان و عواملی مانند فقر در بروز آن تمرکز داشته‌اند. آنچه در سطح ایران مشخص است، بررسی نشدن تفاوت‌های فضایی اشتغال زودرس در سطح استانی و رابطه آن با سطح توسعه انسانی و شاخص‌های مرتبط است.

مبانی نظری پژوهش

محدودیت حداقل سن اشتغال باید به گونه‌ای تعیین شود که آموزش اجباری نوجوان لحاظ شود و حتماً به اتمام رسیده باشد. مسلماً محدودیت حداقل سن برای اشتغال نوجوانان آنها را قادر خواهد ساخت که کار خود را با آمادگی شروع کنند و بهتر از ماهیت کار خود آگاهی یابند (رفیعی، ۱۳۹۲: ۲۶۸). براساس بند ۳ از اصل ۳ و اصل

1. Olayemi

2. Granger

3. Coster, Adekoya

4. Baumont

5. Dasic

۳۰ قانون کار می‌توان به قرینه دریافت که رویکرد نظام حقوقی به موضوع تأمین وسایل آموزش و پرورش به‌ویژه تا پایان دوره متوسطه آن هم به‌صورت رایگان، خود دلیلی بر راهبرد ممانعت از کار کودکان و بالعکس تأمین زمینه‌های آموزش و پرورش برای آنهاست. البته با دقت در معیار تعریف کودک در موازین بین‌المللی و از طرفی نگاه به مقررات مربوط به شرایط کار نوجوانان در قانون کار (مواد ۷۹ تا ۸۴) می‌توان استنتاج کرد که مصادیق بدترین اشکال کار کودک مندرج در ماده ۳ مقاله‌نامه ۱۸۲ علی‌الاطلاق در ایران مشمول عنوان ممنوعیت نیست و صرفاً کودکان زیر ۱۵ سال با این ضابطه هماهنگ هستند؛ زیرا حداقل ۱۵ تا ۱۸ سال به‌عنوان سن کودک به رسمیت شناخته نشده و قانون‌گذار صراحتاً این افراد را با عنوان کارگر نوجوان شناسایی کرده و صرفاً قوانینی را برای کارکردن ایشان مقرر داشته است؛ بنابراین با اینکه پذیرش این سند، حداقل ۱۵ تا ۱۸ سال در گستره سن کار کودک، کاستی حقوق کار ایران به شمار می‌رود که شایسته اصلاح است (ابدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۲)، موقعیت اسفبار کودکان و نوجوانان در شرایط بد اجتماعی و بهره‌کشی زیاد از آنان موجب شده است هر یک از متفکران به نوعی این مسئله را بررسی کنند؛ عده‌ای آن را به‌طور کلی ناشی از رشد و گسترش بیش از حد سرمایه‌داری و بهره‌کشی از انسان دانسته‌اند (ازکیا و ایمانی، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۳).

اشتغال به کار نوجوانان در جهان در سال ۲۰۱۹، حدود ۴۲ میلیون نفر (۲۸ درصد) بین سنین ۱۲-۱۴ سال و ۳۷ میلیون نفر (۲۴ درصد) بین سنین ۱۵-۱۷ سال بوده است. کودکان و نوجوانان بین سنین ۱۵-۱۷ سال بیشتر به کارهای خطرناک مشغولند (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۱۹). بعضی کشورها به‌ویژه کشورهای کم‌درآمد در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا از رسیدن به هدف آموزش جهانی فاصله زیادی دارند. برخی پژوهشگران کار کودکان را مانعی برای دستیابی به تحصیلات جهانی می‌دانند؛ زیرا خانواده‌های فقیر به کودکان برای کار احتیاج دارند که این امر از تحصیل آنها جلوگیری می‌کند (Putnick & Bornstein, 2015: 2). با در نظر گرفتن این واقعیت که همه کودکان روند یکسانی را در زندگی پشت سر نمی‌گذارند، می‌توان دریافت که کار برای گروهی از آنان حالتی از جبر خواهد داشت. کار برای این کودکان بیشتر به دلیل تفاوت در امکانات زندگی آنها با دیگر طبقات اجتماعی و کمتر ناشی از هدف شغلی و نگرش به آینده است (خجسته و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

شاخص ترکیبی توسعه انسانی

توسعه فرایندی است که همه ابعاد یک نظام اجتماعی را با اهداف رشد، عدالت، کاهش فقر، دموکراسی و ثبات سیاسی دربرمی‌گیرد (افقه و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۳). در هر کشور بسیاری از مردم چشم‌انداز خوبی برای آینده بهتر ندارند و فاقد امید، هدف یا عزت هستند. در سراسر جهان بسیاری از فقر شدید نجات یافته‌اند، اما بیشتر آنها نه فرصت و نه منابع کنترل زندگی خود را دارند. غالباً هنوز جنسیت، قومیت یا ثروت والدین جایگاه یک شخص را در جامعه تعیین می‌کند (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۱۹: ۱). ناکافی بودن معیار درآمد سرانه و رشد اقتصادی در تبیین رفاه شهروندان موجب شد که برخی از اقتصاددانان توجه خود را به شاخص‌هایی معطوف کنند که علاوه بر متغیرهای اقتصادی دربرگیرنده متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز باشد (ریاضی‌نیا و دیزجی، ۱۳۹۸: ۲۴). اهمیت

سرمایه انسانی برای توسعه جوامع موجب شده تا سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای جهان توجه بسیاری به این موضوع داشته باشند؛ به گونه‌ای که سازمان ملل متحد، سالیانه شاخص توسعه انسانی (HDI) کشورهای جهان را منتشر کرده است و پژوهشگران بسیاری نیز با بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع، به دنبال شناسایی شاخص‌های مناسب در این زمینه و راهکارهای ارتقای آنها هستند (نهاوندی و خرسند آسیابر، ۱۳۹۸: ۸۶). دستاوردهای ترکیبی کشورها در زمینه آموزش، بهداشت و استاندارد زندگی با گذشت زمان به شاخص اصلی مرجع برای ارزیابی عملکرد اقتصادی کشورها تبدیل شده است (Permanyer & Smits, 2020: 584). معمولاً جوامعی که از سطح تولید بالا و رشد اقتصادی سریع و پیوسته برخوردارند، به شرط توزیع متناسب از سطح زندگی بالاتری نسبت به دیگر کشورها برخوردارند. بی‌توجهی به مفهوم عدالت در داشتن فرصت‌های واقعی فردی و تأکید بر درآمد در سطوح فردی، انبوه عوامل مختلف ایجادکننده تفاوت در فرصت‌های واقعی افراد را نادیده می‌گیرد (عربی و کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

شاخص توسعه انسانی در واقع در واکنش به استقبال نکردن از شاخص‌های ترکیبی اجتماعی به وجود آمد. این شاخص مبتنی بر این ایده است که لازمه دستیابی به زندگی بهتر، علاوه بر داشتن درآمد بیشتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است (ساعی و سیفی، ۱۳۹۹: ۵). بنا بر مفهوم توسعه انسانی، انسان مبدأ توسعه معرفی می‌شود و نقش انسان در توسعه فراتر از نیروی کار است و مهارت‌ها و دانش انسان یکی از عوامل مؤثر در رشد اقتصادی است (افقه و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۱)؛ بنابراین هدف توسعه انسانی، دستیابی انسان به چنان توانایی درخوری است که بعضی از نمودهای آن عبارت‌اند از: رسیدن به عمری طولانی، برخورداری از سلامت کامل، دست‌یافتن به اندوخته‌ای از دانش و آگاهی، داشتن درآمد کافی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که مستقیماً در زندگی افراد جامعه و سرنوشت آنها نقش دارد (شیرزادی، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی تحلیلی و مقایسه‌ای رابطه‌ای است. بعضی از شاخص‌های پژوهش براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ محاسبه شده‌اند. ضمن پردازش و طبقه‌بندی داده‌ها، میزان اشتغال در گروه‌های سنی ۱۰-۱۴ و ۱۵-۱۹ سال به‌مثابه اشتغال زودرس در سطح استان‌های کشور محاسبه شد. از سوی دیگر سطح توسعه انسانی استان‌ها بر مبنای سه شاخص سرانه تولید ناخالص، میزان سواد و امید به زندگی در قالب فرمول سازمان ملل است؛ همچنین شکل‌های میزان اشتغال زودرس و سطح توسعه انسانی در سه شاخص درآمد، امید به زندگی و سواد در محیط نرم‌افزار ARC GIS ترسیم شد که برای سیاست‌گذاری مناسب در زمینه توسعه نواحی ضروری است.

یافته‌های پژوهش

برای به دست آوردن درصد اشتغال زودرس، تعداد شاغلان در گروه‌های سنی ۱۰-۱۴ و ۱۵-۱۹ سال بر تعداد جمعیت آنها تقسیم و سپس در عدد ۱۰۰ ضرب شده است (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴: ۲۱). براساس داده‌های سرشماری عمومی در سال ۱۳۹۵ در کل کشور ۵ درصد جمعیت ۱۰ تا ۱۹ سال شاغل بوده‌اند. جدول ۱ نشان می‌دهد تفاوت زیادی بین استان‌ها با نسبت ۱ به ۲/۵ وجود دارد. استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی و آذربایجان غربی، به بیانی دو قلمرو شمال غربی و جنوب شرقی و شرق کشور، بیشترین میزان اشتغال زودرس را داشته‌اند.

جدول- ۱: اشتغال زودرس و میزان بیکاری در گروه سنی ۱۰-۱۹ ساله (۱۳۹۵)

استان‌ها	اشتغال زودرس (درصد)	درصد بیکاری ۱۰-۱۹ سال	استان‌ها	اشتغال زودرس (درصد)	درصد بیکاری ۱۰-۱۹ سال
اردبیل	۵/۹	۱۸/۲	فارس	۴	۲۷/۴
اصفهان	۴/۷	۱۲/۵	قزوین	۴/۹	۲۲/۴
البرز	۳/۵	۲۹/۱	قم	۴/۴	۱۳/۶
ایلام	۴	۳۲/۸	کردستان	۵/۹	۲۸/۴
آذربایجان غربی	۶/۳	۲۶/۵	کرمان	۶	۱۷/۲
آذربایجان شرقی	۴/۸	۲۰/۶	کرمانشاه	۵/۲	۳۳/۱
بوشهر	۴/۶	۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۲/۸	۲۷/۶
تهران	۴/۶	۱۵/۹	گلستان	۵/۱	۲۱/۱
چهارمحال و بختیاری	۳/۴	۳۴/۷	گیلان	۴/۲	۲۴/۸
خراسان جنوبی	۶/۶	۱۶/۸	لرستان	۴/۱	۲۹/۱
خراسان رضوی	۶/۶	۱۴/۴	مازندران	۳	۲۷/۱
خراسان شمالی	۶	۲۱/۶	مرکزی	۴/۵	۱۹/۹
خوزستان	۴/۸	۳۰/۹	هرمزگان	۵/۲	۲۳
زنجان	۵/۲	۲۳/۶	همدان	۴/۴	۲۸/۵
سمنان	۵/۸	۱۰/۲	یزد	۵/۹	۱۹/۸
سیستان و بلوچستان	۶/۹	۲۸/۸	کل کشور	۵	۲۳/۲

منبع: محاسبه براساس سرشماری آمار ۱۳۹۵- مرکز آمار ایران

میزان بیکاری در گروه سنی ۱۰-۱۹ سال حاصل تقسیم تعداد بیکاران جویای کار در این سنین بر تعداد جمعیت فعال آنها و سپس ضرب در ۱۰۰ است (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴: ۲۱). میزان بیکاری در گروه سنی ۱۰-۱۹ سال واقعیت مهم‌تری را نشان می‌دهد؛ به این معنا که بخش زیادی از این جمعیت در جست‌وجوی کارند و در صورت یافتن شغل بر شدت اشتغال زودرس در کشور افزوده خواهد شد. نسبت‌های زیاد بیکاری در استان‌های چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه و ایلام ثابت می‌کند که اگر امکان اشتغال زودرس در این مناطق فراهم باشد، شدت این پدیده تا حد اسف باری در حد بحرانی خواهد بود. حال پرسش این

است که کودکان در جست و جوی کار که به طور طبیعی باید در حال تحصیل باشند، چگونه عمر خود را سپری می‌کنند.

در زمینه تعیین سطح توسعه، برنامه عمران سازمان ملل متحد برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰ برای درجه بندی کشورها از لحاظ توسعه انسانی الگویی را به کار بست که با قائل شدن اهمیت یکسان برای شاخص‌ها به منظور رتبه بندی به کار گرفته می‌شود. در این مدل از سه شاخص امید به زندگی، باسواد و درآمد سرانه برای درجه بندی کشورها استفاده شده است. این شاخص شامل سه نماگر آموزش (سواد)، امید به زندگی و سرانه تولید ناخالص داخلی است که برای نمونه در استان اردبیل (۰,۵۰) به دست آمده است. ساختار کلی فرمول به شرح زیر است (جمعه پور، ۱۳۸۴: ۲۲۵):

$$HDI = \frac{Xi - \min}{\max - \min} \text{ فرمول کلی}$$

۱. شاخص امید به زندگی

با توجه به آمار سرشماری ۱۳۹۵ امید به زندگی یا طول عمر در بدو تولد توسط مرکز آمار ایران مشخص شده که براساس آن امید به زندگی هر استان نسبت به کمترین و بیشترین میزان امید به زندگی تعیین شده است؛ برای نمونه شاخص امید به زندگی در استان اردبیل برابر با ۰,۶۹ است.

$$Le = \frac{Lc - Lmin}{Lmax - Lmin} \quad A/Le = \frac{73.45 - 67.45}{76.2 - 67.45} = 0.69$$

۲. شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی

مقدار تولید ناخالص داخلی از لگاریتم سرانه تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود؛ برای نمونه استان اردبیل با سرانه تولید ناخالص ۱۰۱ میلیون ریال با توجه به کمینه و بیشینه ۵۹,۸ و ۶۳,۴ میلیون ریال در استان‌های ایران، شاخصی معادل ۰/۲۶ داشته است.

$$= \frac{\log(Xi) - \log(\min)}{\log(\max) - \log(\min)} \quad Yi = \frac{8 - 7.78}{8.67 - 7.78} = 0.26$$

۳. شاخص سواد

با استفاده از فرمول Ki ، شاخص سواد از میزان سواد بزرگسالان (گروه سنی ۲۰-۵۹ ساله) و سواد کل استان مدنظر و میزان کمترین و بیشترین استان در بین استان‌ها حاصل می‌شود. استان اردبیل با سطح سواد کل (۸۳/۱) و سواد بزرگسالان (۸۶/۴) با توجه به کمینه (۷۶ و ۷۲/۶) و بیشینه (۹۲/۹ و ۹۵/۱) میزان های مزبور در بین استان‌ها، شاخص سواد ۰/۵۵ داشته است.

$$K_i = w_1 \left(\frac{RC - R_{min}}{R_{max} - R_{min}} \right) + w_2 \left(\frac{SC - S_{min}}{S_{max} - S_{min}} \right)$$

$$\frac{RC - R_{min}}{R_{max} - R_{min}} = \text{شاخص سواد بزرگسالان} \quad \frac{SC - S_{min}}{S_{max} - S_{min}} = \text{شاخص سواد}$$

$$K_i = \frac{2}{3} \left(\frac{86.4 - 72.6}{95.1 - 72.6} \right) + \frac{1}{3} \left(\frac{83.1 - 76}{92.9 - 76} \right) = 0.55$$

۴. شاخص توسعه انسانی

این شاخص شامل سه شاخص آموزش (سواد)، امید به زندگی و شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی است که برای نمونه در استان اردبیل (۰/۵۰) به صورت زیر است:

$$HDI = \frac{Le + Ki + Yi}{3} \quad HDI = \frac{0.69 + 0.55 + 0.26}{3} = 0.50$$

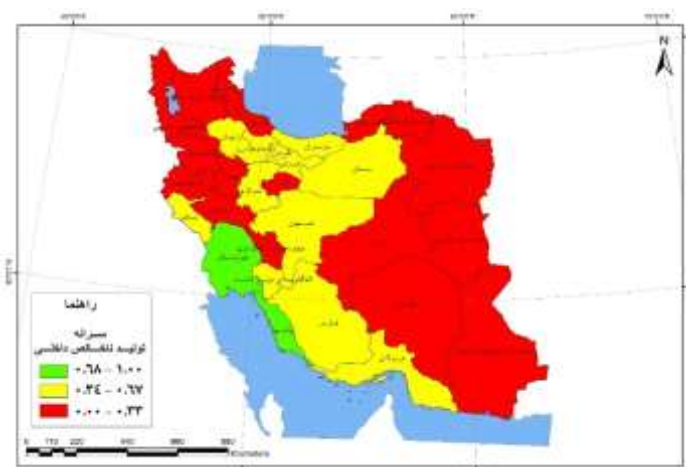
با مشخص شدن شاخص ترکیبی توسعه انسانی می‌توان استان‌های ایران را به چهار رده توسعه یافته بسیار زیاد، زیاد، متوسط و کم تقسیم کرد. براساس تقسیم‌بندی برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۸، اگر مقدار حاصل کمتر از ۰/۵۵ باشد، نشانه سطح توسعه پایین، بین ۰/۵۵۰ تا ۰/۶۹۹ معادل سطح توسعه متوسط و ۰/۷۰۰ تا ۰/۷۹۹ معادل سطح توسعه بالاست. کشورهای دارای شاخص بیش از ۰/۸ در سطح بسیار بالای توسعه انسانی قرار دارند (UNDP, 2018). براساس جدول ۲ در میزان شاخص سواد استان‌های تهران و البرز، سمنان و یزد، سطح توسعه بسیار بالا را به خود اختصاص داده‌اند و استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان، لرستان و گلستان پایین‌ترین سطح را داشته‌اند. بیشترین میزان امید به زندگی در البرز و تهران و کمترین آن در سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و ایلام تفاوت بارزی داشته‌اند؛ به طوری که مناطق دور از پایتخت محکوم به داشتن طول عمر کمتری بوده‌اند. شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی در استان‌های بوشهر، خوزستان و تهران بالاترین و در سیستان و بلوچستان و کردستان پایین‌ترین سطح را داشته است. به‌طورکلی استان‌های مرزی کشور شامل سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، کردستان، لرستان، آذربایجان غربی، گلستان، چهارمحال و بختیاری، متضاد با تهران و البرز، در پایین‌ترین سطح توسعه انسانی قرار گرفته‌اند. وضعیت بوشهر و خوزستان به دلیل سرانه تولید ناخالص زیاد، متأثر از واردات و صادرات و صنایع نفت و گاز، در نظام مدیریتی متمرکز ایران به گونه دیگری باید تحلیل شود. صرف نظر از این دو استان، عمده نواحی مرزی کشور تفاوت‌های فضایی زیادی با سایر نواحی دارند؛ مسئله‌ای که در طرح آمایش سرزمین باید در اولویت قرار گیرد.

جدول ۲- شاخص‌های توسعه انسانی و اشتغال زودرس استان‌ها - ۱۳۹۵

استان	آموزش / سواد	امید به زندگی	سرانه ناخالص داخلی	توسعه انسانی	اشتغال زودرس (درصد)
اردبیل	۰/۵۵	۰/۶۹	۰/۲۶	۰/۵۰	۵/۹
اصفهان	۰/۹۱	۰/۸۶	۰/۴۱	۰/۷۳	۴/۷
البرز	۰/۹۷	۱/۰۰	۰/۴۷	۰/۸۱	۳/۵
ایلام	۰/۶۶	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۵۱	۴
آذربایجان غربی	۰/۴۶	۰/۷۴	۰/۱۴	۰/۴۵	۶/۳
آذربایجان شرقی	۰/۶۵	۰/۷۷	۰/۲۷	۰/۵۶	۴/۸
بوشهر	۰/۸۵	۰/۵۵	۱	۰/۸۰	۴/۶
تهران	۱/۰۰	۰/۹۸	۰/۶۴	۰/۸۷	۴/۶
چهارمحال و بختیاری	۰/۶۳	۰/۵۹	۰/۲۲	۰/۴۸	۳/۴
خراسان جنوبی	۰/۷۶	۰/۵۶	۰/۱۹	۰/۵۰	۶/۶
خراسان رضوی	۰/۸۴	۰/۷۷	۰/۲۷	۰/۶۳	۶/۶
خراسان شمالی	۰/۵۳	۰/۴۳	۰/۱۵	۰/۳۷	۶
خوزستان	۰/۶۵	۰/۵۹	۰/۸۹	۰/۷۱	۴/۸
زنجان	۰/۶۷	۰/۸۱	۰/۳۹	۰/۶۲	۵/۲
سمنان	۰/۹۷	۰/۸۲	۰/۴۷	۰/۷۵	۵/۸
سیستان و بلوچستان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۶/۹
فارس	۰/۸۴	۰/۷۷	۰/۳۵	۰/۶۵	۴
قزوین	۰/۸۳	۰/۷۰	۰/۵	۰/۶۸	۴/۹
قم	۰/۸۱	۰/۷۰	۰/۳	۰/۶۰	۴/۴
کردستان	۰/۴۷	۰/۵۶	۰/۱	۰/۳۸	۵/۹
کرمان	۰/۶۵	۰/۶۷	۰/۳۲	۰/۵۵	۶
کرمانشاه	۰/۶۵	۰/۶۲	۰/۲۶	۰/۵۱	۵/۲
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۵۸	۰/۵۴	۰/۶۱	۰/۵۸	۲/۸
گلستان	۰/۶۸	۰/۵۸	۰/۱۴	۰/۴۷	۵/۱
گیلان	۰/۸۳	۰/۷۸	۰/۲۸	۰/۶۳	۴/۲
لرستان	۰/۵۴	۰/۶۱	۰/۱۶	۰/۴۴	۴/۱
مازندران	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۳۷	۰/۷۱	۳
مرکزی	۰/۸۰	۰/۸۴	۰/۵۷	۰/۷۴	۴/۵
هرمزگان	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۴۴	۰/۵۶	۵/۲
همدان	۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۲۳	۰/۵۳	۴/۴
یزد	۰/۹۶	۰/۸۶	۰/۵۹	۰/۸۰	۵/۹
کل کشور	۰/۷۷	۰/۷۵	۰/۳۷	۰/۶۳	۵

منبع: سرشماری آمار ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، اطلاعات برگرفته از سایت مرکز آمار ایران (www.amar.org.ir)

رابطه بین میزان زوداشتغالی و سطح توسعه انسانی استان‌ها براساس ضریب همبستگی منفی (۰/۴۰۲) نشان از رابطه معکوس با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ دارد. در سطح شاخص‌های سه‌گانه، بین اشتغال زودرس با سرانه تولید ناخالص داخلی با ضریب (۰/۳۴۹-) و سواد (۰/۳۴۵-) رابطه مشابهی وجود دارد، ولی بین زوداشتغالی با امید به زندگی (۰/۳۱-) در سطح معناداری ۰/۰۸ با اطمینان ۹۲ درصد رابطه نسبتاً ضعیفی برقرار شده است؛ بنابراین عوامل دیگری بر شاخص امید به زندگی مؤثر است که منطبق بر اشتغال زودرس نیست؛ بر این مبنای اشتغال زودرس تا حدی بر امید به زندگی تأثیر داشته است.



شکل ۱: شاخص تولید ناخالص داخلی استان‌های ایران

منبع: محاسبه و ترسیم براساس سرشماری سال ۱۳۹۴

براساس شکل ۱ شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی در استان‌های خوزستان و بوشهر در بالاترین سطح و در استان‌های تهران، البرز و مازندران تا مناطق جنوبی-هرمزگان و فارس-در سطح متوسط قرار گرفته است. بخش مهمی از نیمه شرقی و غربی سیستان و بلوچستان، یزد و کرمان تا آذربایجان غربی و شرقی در سطح پایین قرار دارند. بدیهی است که برتری دو استان خوزستان و بوشهر متأثر از صنایع نفت و گاز، نمی‌تواند دلالت بر سطح واقعی درآمد جمعیت ساکن آنها داشته باشد؛ به همین دلیل پدیده زوداشتغالی در این دو استان نزدیک به سطح ملی و بالاتر از چندین استان است. مقایسه شکل ۱ با ۵ نشان می‌دهد انطباق زیادی بین دو شاخص تولید سرانه و زوداشتغالی وجود دارد؛ به بیانی دلیل اصلی زوداشتغالی در ایران را می‌توان ضعف درآمد سرانه دانست و برای کاهش این پدیده ناخوشایند یکی از راهها، ارتقای سرانه تولید-درآمد به‌ویژه در نواحی روستایی و حاشیه شهرهاست. البته سطح سواد به‌مثابه یک عامل پیشران قوی همزمان باید مدنظر قرار گیرد. برای تسریع اثر این عامل، آموزش بزرگسالان از نظر مهارت‌های شغلی باید پوشش گسترده‌ای در نواحی محروم داشته باشد.



شکل - ۲: شاخص امید به زندگی استان‌های ایران

منبع: محاسبه و ترسیم براساس سرشماری ۱۳۹۵

براساس شکل ۲ شاخص امید به زندگی در استان‌های البرز و تهران و بخش عمده‌ای از مناطق مرکزی، شمال و شمال غربی در سطح بالا و فقط استان سیستان و بلوچستان در پایین‌ترین سطح قرار دارد. سایر استان‌ها، بیشتر در مناطق مرزی شمال شرق، جنوب و غرب کشور در گروه متوسط هستند.



شکل - ۳: شاخص سواد استان‌های ایران

منبع: محاسبه و ترسیم براساس سرشماری ۱۳۹۵

براساس شکل ۳ از نظر شاخص سواد بخش بزرگی از کشور در سطح بالا قرار دارد و فقط استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین سطح را به خود اختصاص داده است. استان‌های البرز، تهران، مازندران، سمنان و اصفهان، یزد، فارس، مرکزی، قزوین و گیلان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، زنجان، قم، همدان، هرمزگان و بوشهر نیز در سطح بالایی قرار دارند. سایر استان‌ها بیشتر در مناطق مرزی شمال غربی و غرب کشور در گروه متوسط هستند.



شکل - ۴: شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران

منبع: محاسبه و ترسیم براساس سرشماری ۱۳۹۵

براساس شکل ۴ به‌مثابه ترکیبی از سه شاخص اصلی پژوهش، شاخص توسعه انسانی به‌طور عمده در استان‌های میانی - شمالی و جنوب غربی ایران در سطح بالا، در استان‌های شمال غربی، جنوب شرقی و شمال شرقی در حد متوسط و در سیستان و بلوچستان در پایین‌ترین سطح بوده است.



شکل - ۵: شاخص اشتغال زودرس استان‌های ایران

منبع: محاسبه و ترسیم براساس سرشماری سال ۱۳۹۵

براساس شکل ۵ اشتغال زودرس در نیمه شرقی کشور و نیز آذربایجان غربی، کردستان و اردبیل در بالاترین سطح و در استان‌های مازندران، البرز، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، فارس و ایلام در پایین‌ترین سطح است. به‌طور کلی همبستگی و انطباق فضایی بین اشتغال زودرس با سطح توسعه انسانی و به‌ویژه شاخص تولید سرانه قابل مشاهده است و می‌توان دو فضای متضاد را در فضای سرزمینی ایران شامل نیمه شرقی و

شمال غربی در مقابل سایر نواحی تشخیص داد. با توجه به مجموع نتایج، استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و جنوبی، گلستان، آذربایجان غربی، اردبیل و کردستان در نظام سیاست‌گذاری و آمایش سرزمین کشور باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

اشتغال زودرس یکی از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است؛ زیرا منشأ آن، فقر اقتصادی و فرهنگی و بی‌توجهی به نیروی انسانی پویاست. در سطح جهانی در کشورهایی که از نظر توسعه انسانی در رده بالا قرار دارند، به دلیل پوشش گسترده نظام آموزشی و اهمیت مهارت و تخصص در کسب شغل، اشتغال زودرس پدیده قابل‌اعتنایی نیست؛ ولی در ایران به‌منزله کشوری در حال توسعه نسبت زیادی از جمعیت ۱۰ تا ۱۹ سال شاغل یا بیکار یا جویای کار هستند. تفاوتی که از این نظر میان استان‌های کشور وجود دارد نیز جلب توجه می‌کند؛ بنابراین در این نوشتار مسئله زوداشتغالی در ارتباط با شاخص‌های توسعه انسانی بررسی شده است. در سطح کشور حدود ۵ درصد از جمعیت ۱۰ تا ۱۹ ساله شاغل و ۲۳ درصد از جمعیت این رده سنی بیکار یا جویای کار بوده‌اند. رقم دوم نشان می‌دهد بخش مهمی از این جمعیت نه در حال تحصیل هستند و نه شاغل و این مشکل بزرگی در ساختار جمعیتی-اقتصادی کشور است.

در مجموع با ترکیب همه شاخص‌های پژوهش می‌توان گفت که استان سیستان و بلوچستان با شرایط خاص باید در اولویت نظام سیاست‌گذاری سرزمینی جای داده شود. در مرحله بعدی استان‌های خراسان شمالی، آذربایجان غربی، اردبیل، کردستان، گلستان و خراسان جنوبی قرار می‌گیرند. همچنین با توجه به رقم زیاد اشتغال زودرس بالقوه (بیکاران جویای کار در سنین خارج از سن کار) همراه با دیگر شاخص‌های پژوهش، لازم است استان‌های کرمانشاه، ایلام، خوزستان و چهارمحال و بختیاری مورد توجه ویژه باشند؛ زیرا حدود یک‌سوم جمعیت ۱۰ تا ۱۹ ساله آنها بیکار یا جویای کار بوده‌اند و در صورت غفلت از این پدیده، مشکلات متعدد و عمیق‌تری به این نواحی راهبردی عمدتاً مرزی و پیرو آن به کل کشور تحمیل خواهد شد.

پیشنهاد می‌شود برای هر کدام از این چهار منطقه اولویت‌دار در افق کوتاه‌مدت و میان‌مدت، براساس توانمندی‌های ناحیه‌ای و ملی و موقعیت مرزی آنها در ارتباط با کشورهای پاکستان، عراق، ترکیه، آذربایجان، افغانستان و ترکمنستان، راهکارهای توسعه مؤثری پیش‌بینی شود. تهیه طرح آمایش و تصویب و عملیاتی‌سازی سریع مفاد آن در این استان‌ها از جمله این راهکارهاست.

منابع

- ۱- ابدی، سعیدرضا، ابدی، علیرضا، آگاه، وحید، (۱۳۹۲)، تحلیل حقوقی و اندازه‌گیری کاستی‌های کار شایسته در ایران، فصلنامه پژوهشی حقوق عمومی، سال ۱۶، شماره ۳۹، تهران، صص ۹۱-۱۲۸.

- ۲- اسدپور، عهدیه، اعظم آزاده، منصوره، (۱۳۹۹)، **فرا تحلیل مطالعات عوامل اثرگذار بر پیدایش کودکان کار و خیابانی**، جامعه‌شناسی و نهاد اجتماعی، دوره ۷، شماره ۱۶، مازندران، صص ۱۸۷-۲۱۵.
- ۳- افقه، سید مرتضی، آهنگری، عبدالمجید، عسکری پور لاهیجی، حسین، (۱۳۹۹)، **شاخص توسعه انسانی استان های ایران و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی با استفاده از منطق فازی**، فصلنامه اقتصاد مقدراری (بررسی های اقتصادی سابق)، دوره ۱۷، شماره ۲، اهواز، صص ۸۹-۱۲۱.
- ۴- ازکیا، مصطفی، ایمانی، علی، (۱۳۹۴)، **توسعه پایدار روستایی**، چاپ دوم، تهران، اطلاعات، ۴۵۲.
- ۵- بدخشان، زینب، مهرابی بشرآبادی، حسین، میرزایی خلیل آبادی، حمیدرضا، (۱۳۹۷)، **گروه‌بندی روستاهای استان‌های کشور براساس شاخص‌های زیرساخت اقتصادی و توسعه انسانی**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲۱، شماره ۴، تهران، صص ۲۹-۴۶.
- ۶- جمعه‌پور، محمود، (۱۳۸۴)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاهها و روش‌ها**، چاپ اول، تهران، سمت، ۲۵۶.
- ۷- خجسته، فرامرز، جمالی، عاطفه، زبیدی، مریم، (۱۳۹۶)، **سیمای کودکان کار در آثار داستانی کودک و نوجوان فارسی پس از انقلاب اسلامی**، متن‌پژوهی ادبی، سال ۲۱، شماره ۷۳، تهران، صص ۱۲۹-۱۵۰.
- ۸- رفیعی، احمد، (۱۳۹۲)، **حقوق کار- دفتر یکم- مبانی نظری حقوق کار نظام حقوقی حاکم بر قرارداد کار در ایران**، چاپ دوم، تهران، انتشارات فکرسازان، ۳۶۸.
- ۹- رئیسی دانا، فریبرز، (۱۳۸۲)، **واکاوی کودکان در ایران**، مجله رفاه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۷، تهران، صص ۲۳۱-۲۴۸.
- ۱۰- ریاضی‌نیا، سمیه، دیزجی، منیره، (۱۳۹۸)، **مدل‌بندی بیزی تأثیر نوآوری بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای توسعه‌یافته**، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی، سال ۴، شماره ۲، پیاپی ۱۳، سمنان، صص ۵۳-۷۵.
- ۱۱- ساعی، احمد، سیفی، عبدالرضا، (۱۳۹۹)، **دولت توسعه‌گرای لولا داسیلوا (۲۰۰۳-۲۰۱۱) و شاخص توسعه انسانی در برزیل**، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد، دوره ۱۲، شماره ۴۴، شهرضا، صص ۱-۲۸.
- ۱۲- سلیمانی، مهدیه، حاجیان، ابراهیم، (۱۳۹۲)، **ارائه مدل مدیریتی مطلوب به‌منظور ساماندهی کودکان کار و خیابان**، مجله مدیریت فرهنگی، سال ۷، شماره ۲۲، تهران، صص ۵۴-۶۹.
- ۱۳- شمخالی، لیلا، (۱۳۹۹)، **مقایسه شخصیت جامعه‌پسندی و باور به دنیای عادلانه و واکنش روانی گروه نوجوانان دختر کار حمایتی و خیابانی تهران**، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال ۱۴، شماره ۵۰، تهران، صص ۹۳-۱۰۶.
- ۱۴- شیرزادی، رضا، (۱۳۹۴)، **عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی**، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۲، تهران، صص ۱۰۷-۱۲۴.

- ۱۵- صالحی، محمدجواد، (۱۳۹۷)، رتبه‌بندی استان‌های کشور براساس شاخص‌های توسعه انسانی و سرمایه انسانی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۴، شماره ۱، صص ۲۷-۴۹.
- ۱۶- عربی، زهرا، کاظمی، ابوطالب، (۱۳۹۳)، تأثیر شاخص توسعه انسانی بر تولید ناخالص داخلی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۵، شماره ۱۷، شاهرود و مازندران، صص ۱۰۹-۱۲۴.
- ۱۷- کرمان، فرانک، میرک‌زاده، علی‌اصغر، زرافشانی، کیومرث، (۱۳۹۵)، تحلیل زمینه‌ها و علل به‌کارگیری کودکان در فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان ماهیدشت شهرستان کرمانشاه، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۵، مشهد، صص ۱۶۳-۱۷۸.
- ۱۸- مقدس جعفری، محمدحسین، ویسی نژاد، نورمحمد، درستی، امیرعلی، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش کودکان کار؛ مطالعه موردی: شهر اهواز، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد، سال ۷، شماره ۲، پیاپی ۲۱، شوشتر، صص ۵۵-۷۲.
- ۱۹- مؤذن علوی، سید مهدی، طبرسا، غلامعلی، خورشیدی، غلامحسین، (۱۳۹۹)، طراحی و تبیین مدل توسعه منابع انسانی در سطح ملی، فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۳۳، شماره ۲، پیاپی ۱۱۲، تهران، صص ۱۵۵-۱۹۲.
- ۲۰- مرادی، اکرم، سجادی، حمیرا، محقق، کمال، وامقی مروئه، حسین، حسینی تشنیزی، سعید، قائد امینی، غلامرضا، (۱۳۹۴)، بررسی سلامت اجتماعی کودکان کار مراجعه‌کننده به مراکز مردم‌نهاد حمایت از حقوق کودکان تهران در سال ۱۳۹۳، مجله دانشگاه علوم پزشکی، دوره ۱۴، رفسنجان، صص ۹۷۷-۹۸۸.
- ۲۱- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران، (۱۳۹۴)، نتایج آمارگیری نیروی کار، نهاد ریاست جمهوری، تابستان، صص ۱۱-۶۸.
- ۲۲- مهدوی مزینانی، زهرا، مزینانی، مجتبی، (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی حقوقی کار کودکان و نوجوانان در کسب و کارهای خانوادگی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۱۲۵-۱۴۳.
- ۲۳- نجار نهاوندی، مریم، خرسند آسیاب، حمید، (۱۳۹۸)، مطالعه و بررسی رابطه بین شاخص‌های توسعه انسانی و فساد اداری در کشورهای منتخب طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۱۱، شماره ۲، تهران، صص ۸۵-۹۵.
- ۲۴- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۴۰۰)، شماره ۸۴ قانون کار، تاریخ تصویب ۱۳۶۹، نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۳۳۸۷، شماره ۱۲۴۳۵۶.
- 25- Baumont, M., Wandasari, W., Agastya, N.L.P.M., Findley, S., Kusumaningrum, S., (2020), **Understand in childhood adversity in West Sulawesi, Indonesia**, Child Abuse & Neglect, Vol. 107, Pp.1- 12.
- 26- Cooke, M., Mitrou, F., Lawrence, D., Guimond, E., Beavon, D., (2007), **Indigenous well-being in four countries: An application of the UNDP'S Human Development Index to Indigenous Peoples in Australia, Canada, New Zealand, and the United States**, BMC International Health and Human Rights, Vol. 7, No. 9, United Kingdom, Pp.1- 11.

- 27- Coster, A.S., Adekoya, M.I., (2014), **Determinants of child labor and schooling in rural farming households in Ogun state, Nigeria.** *Asian, Journal of Agriculture and Food Science*, Vol. 2, No. 4, Nigeria, Pp 278-288.
- 28- Daly, A., Hillis, A., Shrestha, S.M., (2020), **Bricks in the wall: A review of the issues that affect children of in-country seasonal migrant workers in the brick kilns of Nepal,** *Geography Compass*, Vol. 14, Issue 12, American, Pp1-13.
- 29- Dasic, B., Devic, Z., Denic, N., Zlatkovic, D., Ilic, I.D., Cao, Y., Jermsittiparsert, K., Van Le, H., (2020), **Human development index in a context of human development: Review on the western Balkans countries,** *Brain and Behavior*, Vol. 10, Issue 9, NewYork, Pp 1-12, DOI: 10.1002/brb3.1755.
- 30- Levison, D., Moe, K.S., (1998), **Household Work as A Deterrent to Schooling: An Analysis of Adolescent Girls in Peru,** *Journal of Developing Areas*, Vol. 32, No. 3, Tennessee, 339-356.
- 31- Lodhi, A.S., Kakar, M.Z., Ahmed, M., (2014), **Child Labor and Learning Achievements: The Impact of Children's Work on School Performance,** *BUIITEMS Quality & Excellence in Education*, Vol. 5, Baluchistan, Pp 48-57.
- 32- Olayemi, S.O., (2012), **Human Capital Investment and Industrial Productivity in Nigeria,** *International Journal of Humanities and Social Science* Vol. 2, No. 16, USA, Pp 298-307.
- 33- Permanyer, I., Smits, J., (2020), **Inequality in Human Development across the Globe,** *Population and Development Review*, Vol. 46, No. 3, United Kingdom, Pp 583-601.
- 34- Putnick, D.L., Bornstein, M.H., (2015), **Is Child Labor a Barrier to School Enrollment in Low- and Middle-Income Countries?** *Child and Family Research*, *International Journal of Educational Development*, Vol. 41, Switzerland, Pp 112-120.
- 35- Susanli, Z., Inanc- Tuncer, O., Kologlugil, S., (2016), **Child domestic Labour and mothers' employ-ent in Turkey,** *Economic Research- Ekonomska Istraživanja*, Vol. 29, No. 1, Istanbul, Pp 967-979.
- 36- The International labor organization (ILO) celebrates its 100 anniversary, (2019). **The United Nations Development Programmed, Human Development Report**, Beyond income, beyond averages, beyond today: Inequalities in human development in the 21st century, The United Nations Development Programmed 1 UN plaza New York NY 100 17 USA, <http://hdr.undp.org>.
- 37- UNDP, (2018), **Human development indices and indicator**, statistical, NewYork, Readers guide, 17 p.